

## تأثیر یارانه مطبوعات بر تیراژ آنها

میثم موسایی\*

### چکیده

در این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که یارانه‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت به مطبوعات پرداخت می‌شود چه تأثیری بر تیراژ و یا تقاضای خرید مطبوعات در کشور دارد؟ و اگر هدف از پرداخت این یارانه‌ها کمک به مطبوعات، متناسب با هزینه آن‌ها باشد آیا این تناسب در پرداخت یارانه‌ها به روزنامه‌ها رعایت می‌شود؟ و اصولاً آیا مطبوعات احتیاج به دریافت این کمک‌ها دارند؟

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذکور میزان یارانه‌ها به کل مطبوعات، ترکیب درآمدها و هزینه‌های ده تا از روزنامه‌های کثیرالانتشار برای نمونه بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که یارانه پرداختی به مطبوعات با ابزارهای صرفاً اقتصادی توجیه نداشته و متناسب با هزینه متوسط نشریات نیز پرداخت نمی‌گردد، لذا تأثیر قابل توجهی بر افزایش تقاضا برای خرید مطبوعات ندارد.

### کلید واژه

مطبوعات، یارانه‌ها، تیراژ، اقتصاد مطبوعات.

## ۱- مقدمه

در حال حاضر، دولت هر ساله به شکل مستقیم (وجه نقد ارزی و ریالی) و به شکل غیرمستقیم (تخصیص سهمیه کاغذ و...) یارانه قابل توجهی به مطبوعات اختصاص می‌دهد. این ارقام حدود ۱۰۰ میلیارد ریال است (موسایی، ۱۳۷۹، ۱۲۳). از یک سو گفته می‌شود که مطبوعات در ایران از لحاظ مالی در مضیقه هستند و به جهت بازگشت سرمایه توجیه اقتصادی ندارند (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۷۹، ۳۲) و از سوی دیگر حدود سه هزار نفر در صف دریافت مجوز نشر قرار دارند. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که اگر واقعاً سرمایه‌گذاری در این بخش توجیه اقتصادی ندارد پس چرا چندین برابر تعداد نشریات فعلی، تقاضا، برای اخذ مجوز نشریه وجود دارد؟

اهداف دولت‌ها از پرداخت یارانه‌ها نمی‌تواند خارج از سه مقوله زیر باشد:

الف) تخصیص بهینه منابع، ب) ثبات اقتصادی و ج) توزیع عادلانه.

در پایان مقاله خواهیم دید - به دلیل سهم ناچیز یارانه‌های مطبوعات در مقایسه با کل یارانه‌های پرداختی - مورد دوم و سوم درباره یارانه مطبوعات مصداق ندارد و قاعداً باید هدف پرداخت یارانه به مطبوعات را در مورد نخست جست‌وجو کرد. بر این اساس باید دید هدف از پرداخت یارانه‌ها به منظور تغییر تخصیص منابع چگونه تعریف شده و چه هدف یا اهدافی می‌تواند مدنظر باشد؟ و آیا پرداخت این کمک‌ها در تحقق هدف یا اهداف مذکور نقش مؤثری دارد؟ اهمیت پاسخگویی به این پرسش‌ها ضرورت مطالعه حاضر را روشن می‌سازد.

## ۲- پیشینه تحقیق

درباره نظام پرداخت یارانه‌های مربوط به مطبوعات در ایران، تحقیقات و مقالات نوشته شده، بسیار محدود است. در سال ۱۳۷۴ ه. ش، مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اقتصادی روزنامه‌های کشور» از سوی نگارنده انجام شد و طی آن اطلاعات مالی تعداد معدودی از نشریات کثیرالانتشار گردآوری و تحلیل شد. این تحقیق نشان داد نظام پرداخت یارانه به مطبوعات دارای اثربخشی بسیار پایینی است (موسایی، ۱۳۷۴).

در همان سال یک تحقیق مقدماتی دربارهٔ زمان بازگشت سرمایه در مطبوعات صورت گرفت و این نتیجه به دست آمد که سرمایه‌گذاری در مطبوعات در مقایسه با سایر بخش‌ها توجیه اقتصادی ندارد (مقیم، ۱۳۷۴، ۶۷).

در برخی از تحقیقات نیز مسائل اقتصادی روزنامه‌ها از دید سبد هزینه‌های خانوار مطالعه و درجهٔ حساسیت تقاضا نسبت به تغییر قیمت نشریات و درآمد خانوار اندازه‌گیری شده است (خزایی، ۱۳۷۹، ۱۹۳). تحقیق مشابهی نیز از سوی مرکز مطالعات رسانه‌ها صورت گرفته که متأسفانه نتایج آن منتشر نشده است (نادران، ۱۳۷۹). براساس این تحقیقات، سهم هزینه‌های فرهنگی در هزینهٔ کل، بین یک تا شش درصد در سی سال گذشته در نوسان بوده است (خزایی، ۱۳۷۹، ۱۹۶). در مجموع، تخمین ضریب کشش درآمدی در این تحقیقات نشان می‌دهد که به‌طور متوسط کشش درآمدی در سال‌های بررسی مطبوعات به حدود ۱/۵ رسیده است، یعنی یک درصد افزایش در درآمد خانوار موجب افزایش ۱/۵ درصد تقاضا برای مطبوعات می‌شود. (همان، ۲۰۲).

مهمترین پژوهشی‌های موجود در زمینهٔ اقتصاد مطبوعات منحصر است به آنچه نوشته شد. مرکز مطالعات رسانه‌ها نیز که بیشترین مطالعات را دربارهٔ مطبوعات در ایران انجام داده است، بیشترین تحقیق خود را به مسائل اجتماعی مطبوعات و کمترین آن را به مسائل اقتصادی مطبوعات اختصاص داده است (کریمی ابرقویی و همکاران، ۱۳۷۷، ۱۱۹). برخی از تحقیقات صورت گرفته به مسائل تبلیغاتی و حقوقی مطبوعات و مطالعهٔ تطبیقی با سایر کشورها (معمدنژاد، ۱۳۷۶)، برخی به ساختار اخبار خارجی مطبوعات در کشورهای اسلامی (رضوی‌زاده، ۱۳۷۶) و برخی به بررسی تقاضای انتشار نشریات پرداخته و نظام حاکم بر آن را معرفی نموده‌اند (خلیلی، ۱۳۷۶). نظرسنجی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها دربارهٔ روزنامه‌های کثیرالانتشار و بررسی تطبیقی مقررات مربوط به سندرجات مطبوعات (محدودیت‌ها و جرائم)، مطالعهٔ امکانات سخت‌افزاری چاپخانه‌های مرتبط با مطبوعات، بررسی نقش مطبوعات در توسعهٔ ملی و مسائلی از این قبیل از جمله مطالعاتی است که در مرکز مطالعات رسانه‌ها (حوزه رسانه‌ها) صورت گرفته است (کریمی ابرقویی، همان)، که هیچ‌یک از

آن‌ها مسئله یارانه‌ها را از لحاظ اقتصادی بررسی نکرده‌اند. مطالعات صورت گرفته در مراکز علمی و در قالب پایان‌نامه‌ها بیشتر به نظرسنجی و بهره‌مندی و رضایتمندی مردم از مطبوعات و ساختار اخبار و تحلیل محتوای مطالب نشریات اختصاص دارد.<sup>۱</sup>

نشریه اقتصاد ایران، گزارشی درباره اقتصاد مطبوعات در شماره پانزدهم منتشر کرده که مطالب آن فاقد هرگونه آمار و اطلاعات در این زمینه است (نشریه اقتصاد ایران، ۱۳۷۹، ۳۱). علت این‌که یارانه‌ها از لحاظ اقتصادی مورد بررسی جامع قرار نگرفته، عمدتاً به نبودن آمار و اطلاعات کافی در این زمینه مربوط بوده است.

### ۳- فرضیه تحقیق

این مطالعه در پی پاسخگویی به این پرسش است که یارانه‌هایی که توسط دولت به مطبوعات پرداخت می‌شود چه تأثیری بر تیراژ مطبوعات دارد؟ و آیا تناسبی بین میزان کمک پرداختی به مطبوعات با هزینه‌های آن‌ها وجود دارد؟

فرضیه‌ای که در این مطالعه صحت و سقم آن بررسی می‌شود، این گزاره است که «آیا یارانه‌های پرداختی به مطبوعات، تأثیر قابل توجهی بر تیراژ مطبوعات ندارد؟ و متناسب با هزینه‌های متوسط هر یک از نشریات پرداخت نمی‌شود؟»

### ۴- روش تحقیق

با توجه به نبودن آمار و اطلاعات مورد نیاز، در این بررسی برای جمع‌آوری اطلاعات از روش نمونه‌گیری استفاده شده است. به این شکل که به منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به میزان درآمد آگهی روزنامه‌ها، از اطلاعات مربوط به میزان آگهی (دولتی و غیردولتی) تعدادی نشریات کثیرالانتشار، و به منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به فروش، از تراز سود و زیان و تراز مالی سالانه مطبوعات و همچنین به منظور گردآوری اطلاعات مربوط به هزینه‌ها، از جداول سود و زیان مطبوعات استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل هزینه و فایده استفاده شده است. نمونه مطالعه شده روزنامه‌های کثیرالانتشار سال ۱۳۷۷ ه. ش،

شامل کیهان، اطلاعات، رسالت، سلام، کار و کارگر و همشهری بوده است (به جزء روزنامه سلام، روزنامه‌های دیگر هنوز هم منتشر می‌شوند).

## ۵- چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله برگرفته از تئوری مربوط به پرداخت یارانه‌ها به منظور تغییر تخصیص منابع در تولید کالاها موردمتذکر است. به این منظور چارچوب نظری اهداف یارانه‌ها بررسی می‌شود:

### ۱-۵- اهداف یارانه‌ها

یارانه یکی از عام‌ترین و بحث‌انگیزترین مفاهیم اقتصادی به‌شمار می‌رود و به مثابه ابزاری اقتصادی می‌توان درباره آثار مثبت و منفی آن داوری کرد. همچنین یارانه یکی از ابزارهای مهم سیاست‌های دولت است، به این معنا که همچون نرخ مالیات و هزینه‌های دولت، ابزاری قابل انعطاف و برون‌زاست که با نوسان آن دولت می‌تواند در جهت اهداف اقتصادی خود - مثلاً کارایی مطلوب اقتصادی - گام بردارد. از زاویه دیگر می‌توان گفت یارانه پدیده‌ای اقتصادی نیست، بلکه ابزار اقتصادی است. پدیده‌های اقتصادی که بر اثر فعل و انفعالات درونی بازارهای مختلف کالا، کار و سرمایه در اقتصاد به‌وجود می‌آیند، می‌توانند دارای خصلت‌های مثبت و منفی باشند. برای مثال بیکاری و تورم را می‌توان پدیده‌ای منفی و رشد اقتصادی را پدیده‌ای مثبت ارزیابی نمود. اما یارانه از سنخ بیکاری و تورم و رشد اقتصادی نیست، بلکه می‌توان آن را با مالیات منفی متجانس دانست و به‌دلیل نبود شباهت سازوکار آن به مالیات، آن را نوعی مالیات منفی نیز به‌شمار آورد (کوردن، ۱۳۷۱، ۵۱).

از آن‌جا که نقش دولت در اقتصاد، ارتباط تنگاتنگی با اهداف یارانه دارد، ضروری است پیش از پرداختن به مباحث یارانه‌ها نگاهی اجمالی به نقش دولت در اقتصاد داشته باشیم:

یکی از وجوه تمایز نظام‌های مختلف اقتصادی تعریفی است که از نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی مطرح می‌شود. در نظام سوسیالیستی به‌طور مشخص، دولت نقش اصلی را در اقتصاد ایفا می‌کند و برنامه‌ریزی و تخصیص منابع و امکانات جامعه بر عهده وی است. در

کشورهایی که براساس نظام غیرمتمرکز اقتصاد، اداره می‌شوند، نقش اصلی برعهده بخش خصوصی و دخالت دولت در اقتصاد بنا به ضرورت است.

آدام اسمیت با آن‌که نظریاتش بیشتر مبتنی بر هر چه محدود کردن نقش دولت در اقتصاد است، ولی وظایفی را برای دولت قائل است که انجام آن را فقط در حیطه اختیارات دولت می‌داند. وی سه وظیفه برای دولت قائل است: ۱- ایجاد امنیت فردی ۲- ایجاد امنیت اقتصادی ۳- خدمات عمومی (کالاهای عمومی) (پژویان، ۱۳۶۹، ۱۸ و ۱۹).

پیگو<sup>(۱)</sup> اقتصاددان انگلیسی در کتاب معروف خود *اقتصاد رفاه*، گامی اساسی در تعیین نقش دولت برداشت. او برای اولین بار مسئله هزینه و فایده اجتماعی را مطرح ساخت و به لحاظ نقش فایده و هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌های تولیدی، برای دولت وظایفی تعریف کرد که در تخصیص بهینه منابع می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. او در این باره می‌گوید:

«هرگاه تولیدات، فایده خارجی ایجاد نماید، سطح تولید، کمتر از تولید مطلوب

خواهد بود و در این جا دولت می‌تواند با یارانه، افزایش تولید را به سطح تولید

کارآمد تضمین نماید» (Pigou, Ac. 1928).

در این کتاب پیگو به موارد یارانه به‌طور کامل اشاره می‌کند که دولت هزینه تولید و ارائه کالاها را به‌عهده می‌گیرد. امروزه - با توجه به ضرورت‌های ایجاد شده برای دخالت دولت در اقتصاد، چه به‌گونه تولید بهینه کالا و چه به‌گونه پرداخت یارانه - دولت‌ها دیگر نقش کوچکی برای خود در اقتصاد قائل نیستند، بلکه رفته رفته به میزان دخالت خود در این عرصه اقتصاد افزوده‌اند. با توجه به نقش دولت در اقتصادهای آزاد کنونی، هدف‌های عمده دخالت دولت (مثلاً پرداخت یارانه‌ها) را در سه حوزه می‌توان مشخص نمود:

۱- تخصیص بهینه منابع،

۲- ثبات اقتصادی،

۳- توزیع عادلانه درآمد.

پرداخت یارانه در سه حیطه مذکور نقش اساسی و محوری دارد. به‌عبارت دیگر با پرداخت یارانه می‌توان منابع را به‌صورت بهینه به تولید کالا و خدمات مختلف تخصیص داد، یا به ثبات

اقتصادی کمک کرد، یا توزیع درآمد را برای طبقات کم درآمد عادلانه نمود. در دنیای مطبوعات غالباً پرداخت یارانه برای اهداف ۲ و ۳ صورت نمی‌گیرد. بلکه به منظور تحقق هدف اول است که یارانه به مطبوعات تعلق می‌گیرد. در تمام کشورهای دموکراتیک نیز دولت‌ها با استفاده از ابزارهای گوناگون به بخش فرهنگ و هنر کمک می‌کند (Throsby, 1994: 20). بنابراین لازم است این مسئله را کمی بیشتر و دقیق‌تر توضیح دهیم. منظور از تخصیص بهینه منابع، تخصیص منابع اولیه تولید بین کالاها و خدمات در بخش‌های مختلف اقتصاد است. در نظام مبتنی بر بازار در تخصیص کالاها، کالاها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: کالاهای عمومی و کالاهای خصوصی؛ که دولت خود مستقیماً تولید کالاهای عمومی را به عهده می‌گیرد و تولید دیگر کالاها بر عهده بخش خصوصی است. اما دولت وظیفه خود می‌داند که به دلایلی که در پی خواهد آمد با ابزارهای مختلف اقتصادی از جمله مالیات و یارانه به تخصیص بهینه منابع بین بخش خصوصی و دولت بپردازد.

در کشورهای توسعه یافته، تولید کالا از سوی بخش خصوصی با مانعی از سوی دولت مواجه نمی‌شود و قیمت را غالباً عملکرد بازار تعیین می‌کند. اما دولت در تخصیص بهینه منابع بازار دارای توانایی کامل نیست، زیرا شرایطی وجود دارد که تخصیص بهینه توسط بازار نمی‌تواند صورت گیرد که آن شرایط عبارتند از:

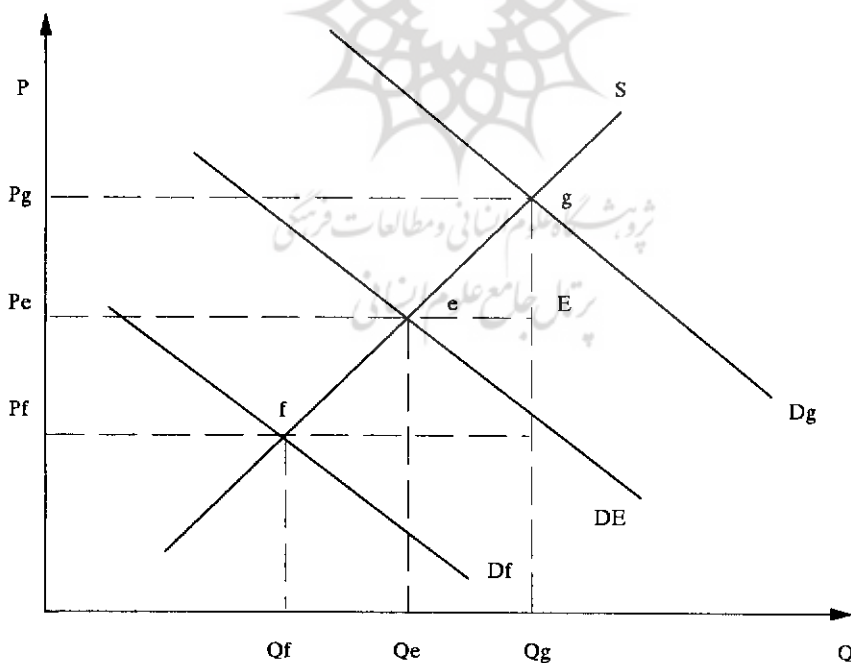
- هرگاه دولت بخواهد تولید کالا یا خدماتی را افزایش دهد بدون آن‌که از تولید کالاهای عمومی کاسته گردد؛

- هرگاه تولید کالا در بازار به وسیله یک یا چند تولیدکننده بزرگ کنترل شود و شرایط انحصاری به وجود آید؛

- هنگامی که فعالیت‌های یک بنگاه دارای پیامدهای مثبت یا منفی برای جامعه باشد یا به عبارتی دارای هزینه یا فایده اجتماعی باشد.

گرچه عده‌ای فعالیت‌های رسانه‌ای را به لحاظ اقتصادی، فعالیت‌های غیرعادی می‌دانند (Picard, 1989: 17,18)، اما عده‌ای نیز مسئله کمیابی را که یک حقیقت زندگی است در تمام فعالیت‌ها صادق می‌دانند (Ginsburgh, 1996: 248). پرواضح است مورد اول و دوم درباره مطبوعات مصداق ندارد و معمولاً دلیل سوم برای کمک دولت به مطبوعات مطرح می‌شود.

در بیشتر کشورهای صنعتی، دولت هزینه‌هایی به منظور کارا نمودن بخش خصوصی - که تولید کالاهای دارای فایده اجتماعی گسترده را برعهده دارند - تخصیص می‌دهد و این هزینه‌ها، یارانه‌ای است که توجیه آن فایده اجتماعی گسترده این‌گونه کالاها به‌شمار می‌آید. در این باره اقتصاددانان معتقدند که در کالاهایی که بخش خصوصی تمایل به تولید آن دارند هرگاه فایده خارجی (فایده اجتماعی) آن بزرگ باشد، همواره تولید پائین‌تر از سطح بهینه است (Johnand Milgate and Newman. 1987. 261) و دولت با پرداخت یارانه به تولیدکننده، سطح تولید را افزایش می‌دهد. برای مثال و با فرض این‌که مطبوعات دارای چنین ویژگی باشند، در مدل ساده زیر آن را بررسی می‌کنیم. در این مدل  $P$  قیمت هر نسخه از روزنامه و  $Q$  تیراژ و مقدار تقاضا برای آن است؛ و فرض بر این است که علاوه بر متقاضیان مطبوعات که فایده شخصی از مطالعه مطبوعات به‌دست می‌آورند، جامعه نیز از فایده‌های خارجی آن‌که با تغییرات مثبت در رفاه آن‌ها ظاهر می‌شود استفاده می‌کند (John and ... . 1987. 261).



نمودار ۱: عرضه و تقاضای مطبوعات



در نمودار ۱،  $S$  منحنی عرضه یا هزینه نهایی انتشار هر نسخه از روزنامه است و  $D_B$  فایده نهایی شخصی خوانندگان مطبوعات و  $D_P$  فایده نهایی جامعه است. در مکانیسم بازار با فرض عدم پرداخت یارانه ناشران مطبوعات اگر به منزله یک بنگاه اقتصادی صرف عمل کنند فقط  $Q_e$  را به مثابه نقطه تولید (تیراژ) انتخاب خواهند کرد و مایل‌اند آن را با قیمت  $P_e$  بفروشند. تقاضاکنندگان نیز مقدار  $Q_e$  از مطبوعات را تقاضا می‌کنند و مایل هستند برای هر نسخه آن  $P_e$  ریال بپردازند. می‌دانیم که قیمتی که خوانندگان مطبوعات حاضرند بپردازند صرفاً براساس نفع شخصی است (فایده نهایی شخصی) ولی جامعه از فایده خارجی مطبوعات استفاده خواهد کرد، یعنی افراد جامعه به دلیل مطالعه روزنامه و مطبوعات به گونه‌ای تربیت می‌شوند که کارایی آن‌ها برای جامعه افزایش می‌یابد. مثلاً وجدان کار را رعایت خواهند کرد یا به لحاظ آگاهی‌های بیشتر، فرزندان خود را بهتر تربیت می‌کنند و این‌ها همه به نفع جامعه است؛ و... اگر  $D_P$  را به منزله تقاضا برای فایده نهایی اجتماعی مطبوعات در نظر بگیریم، در آن صورت جمع فایده اجتماعی و فایده شخصی خط  $D_P$  را به ما خواهد داد؛ و لذا منافع جامعه و افراد به‌طور مشترک ایجاد خواهد کرد که در  $Q_e$  تولید صورت گیرد، یعنی تیراژ مطبوعات برابر با  $D_P$  باشد (می‌توان فرض کرد که تیراژ هر نسخه برای ۱۰ نفر جمعیت است که استاندارد جهانی روزنامه‌هاست و  $Q_e$  مقدار تیراژ فعلی است که گفته می‌شود ۵۲ نسخه در هزار نفر است). بنابراین منافع اجتماعی ایجاد می‌کند که تیراژ از  $Q_e$  به  $Q_g$  افزایش یابد؛ اما با توجه به هزینه‌هایی که افزایش تولید دارد، عرضه‌کننده در قیمت  $P_g$  مایل به دریافت درآمد به ازای هر نسخه است (که خیلی بالاتر از  $P_e$  است). حال آن‌که در تولید فعلی  $Q_e$  افراد جامعه حاضر نیستند، نه قیمت  $P_g$  را برای هر نسخه بپردازند و نه قیمت قبلی  $P_e$  را که متناظر با تیراژ (تولید) کمتر بوده است، بلکه مایلند در قیمت  $P_e$  هر نسخه از نشریه را خریداری کنند. چرا که در مقدار  $Q_e$ ، قیمت بر اساس تقاضای بخش خصوصی که با توجه به منابع شخصی خود آن را شکل می‌دهند  $P_e$  خواهد بود. بنابراین دولت در چنین مواردی به ازای هر نسخه از روزنامه به اندازه فاصله  $P_g$  تا  $P_B$  یارانه پرداخت می‌کند و جمعاً به اندازه مستطیل  $P_g P_e gB$  یارانه پرداخت خواهد کرد. یعنی پرداخت یارانه دولت به مطبوعات به این منظور است که تیراژ روزنامه‌ها به جای  $Q_e$  در  $Q_g$  باشد و با پرداخت یارانه و تولید کالا (مطبوعات) در قیمت پایین‌تر به افزایش تیراژ و افزایش تقاضای مردم کمک می‌کند.

همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار مستطیل مذکور (یارانه‌ها) به سطح درآمدها و هزینه مطبوعات بستگی دارد.

اکنون که تا اندازه‌ای چارچوب تئوری پرداخت یارانه به مطبوعات مشخص شد، برای مطالعه تأثیر یارانه‌های فعلی و پاسخگویی به این پرسش که آیا یارانه‌ها در جهت تحقق اهداف موردنظر عمل می‌کنند یا نه؟ و آیا مقدار آن‌ها برای هر تشریه متناسب با هزینه آن‌هاست لازم است ترکیب هزینه‌ها و درآمد مطبوعات را مطالعه کنیم.

### ۲-۵- درآمد و هزینه مطبوعات

در این بخش، نگاهی خواهیم داشت به وضعیت درآمدها و هزینه‌های روزنامه‌های کشور. هدف ما بررسی وضعیت اقتصادی روزنامه‌هاست و این‌که آیا احتیاج به یارانه دارند یا خیر و اگر یارانه دولت باید برحسب درآمد و هزینه روزنامه‌ها پرداخت گردد، میزان این یارانه چه مقدار باید باشد؟ و به چه نسبتی باید به روزنامه‌های مختلف تعلق گیرد؟ و دیگر این‌که آیا توزیع یارانه کنونی تناسبی با وضعیت هزینه و درآمد روزنامه‌ها دارد یا خیر؟

بررسی هزینه و درآمد روزنامه‌ها و بلکه هر بنگاه اقتصادی و صنعتی شامل دو بخش درآمدها و هزینه‌هاست که به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

نوع و ترکیب هزینه‌ها و درآمدهای مربوط به روزنامه‌ها کاملاً شبیه هم است. این مسئله موجب می‌شود که به‌رغم در اختیار نداشتن آمار و اطلاعات همه روزنامه‌ها، بتوان با بررسی چند مورد خاص، به اطلاعات مربوط به همه روزنامه‌ها دست یافت. ترکیب هزینه‌های یک روزنامه شامل مواردی نظیر هزینه تحریریه، حروفچینی، صفحه‌بندی، فیلم و زینگ، چاپ، کاغذ و هزینه توزیع است و این هزینه‌ها به دلیل قیمت نسبتاً مشخصی که در بازار دارند در روزنامه با نسبتی که بستگی به تیراژ و مقیاس تولید دارد قابل برآورد است. پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که به دلیل این‌که ترکیب و نوع هزینه‌ها در روزنامه‌ها تقریباً یکسان است امکان تعمیم این بررسی به روزنامه‌هایی که آمار و اطلاعات ارائه نداده‌اند وجود دارد. ولی در بعد درآمد وضعیت تفاوت می‌کند، چرا که به‌رغم یکسان بودن نوع و ترکیب درآمدها مقدار آن‌ها در روزنامه‌ها تفاوت زیادی دارد. برای رفع این نقیصه و برای محاسبه دقیق‌تر درآمدها،

مجبور شدیم که به روش‌های نمونه‌گیری متوسل شویم. توضیح این‌که عمده ترکیب درآمد روزنامه‌ها شامل موارد زیر است:

۱ - درآمد آگهی،

۲ - میزان فروش.

درآمد آگهی بستگی به عوامل متعددی دارد:

عامل اول: حجم آگهی‌های اخذ شده است، هر چه حجم آگهی‌ها بیشتر باشد، درآمد به دست آمده هم بیشتر خواهد بود؛

عامل دوم: نوع آگهی است؛

آگهی‌هایی که در روزنامه‌ها درج می‌شوند چند دسته‌اند: یک دسته خصوصی‌اند که روزنامه‌ها براساس تعرفه خاصی که دارند آن‌ها را درج می‌کند و یک دسته دولتی‌اند و آگهی‌های دولتی براساس تعرفه‌های دولتی محاسبه می‌شوند.

عامل سوم: در میزان درآمد آگهی است. هر چه تیراژ روزنامه بالاتر باشد تعرفه آگهی‌ها بالاتر است و به عکس.

برای پی بردن به میزان درآمد آگهی روزنامه‌ها که مهمترین عامل درآمدی آن‌ها محسوب می‌شود، به دلیل در اختیار نداشتن آمار و اطلاعات از جامعه اصلی، یک جامعه نمونه از روزنامه‌های کشور انتخاب کردیم.

سعی شد از هر دو ماه، ۵ روز به صورت تصادفی انتخاب شود. به طوری که حداقل از نیمه اول هر ماه یک نسخه و از نیمه دوم همان ماه یک نسخه بررسی شود.

با توجه به تفاوت قیمت چاپ آگهی دولتی با خصوصی، و همین‌طور تعرفه متفاوت صفحات مختلف روزنامه‌ها ابتدا میزان آگهی‌ها در هر صفحه برحسب دولتی یا خصوصی به تفکیک صفحات، اندازه‌گیری شد.

عامل دوم در میزان درآمد روزنامه‌ها، مسئله فروش نسخه‌های آن‌هاست که در دهه‌ها فروخته می‌شود یا به آدرس مشترکان ارسال می‌شود. با داشتن تیراژ مطبوعات و نیز رقم روزنامه‌های برگشتی این رقم نیز برای همه روزنامه‌ها به‌طور کامل قابل محاسبه خواهد بود.

### ۶- بررسی دقیق یک مورد

آمار و اطلاعات روزنامه کار و کارگر را برای نمونه به طور کامل مطالعه می‌کنیم تا ترکیب هزینه‌ها و درآمد آن مشخص شود.

روزنامه کار و کارگر به لحاظ دسترسی به تراز مالی آن در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷ ه. ش و نیز عملکرد آن در سال‌های مذکور براساس آمار و اطلاعاتی که در اختیار دارایی قرار دارد، به طور کامل قابل مطالعه است. با توجه به این‌که روزنامه مذکور در حال حاضر دارای تیراژ کمتر از بیست هزار نسخه در روز است، بررسی این روزنامه به منزله یکی از ضعیف‌ترین روزنامه‌ها از لحاظ بنیة مالی می‌تواند در اثبات یا رد فرضیة ما که «عدم لزوم پرداخت یارانه به مطبوعات است» نقش به‌سزایی داشته باشد. زیرا اگر ثابت کنیم این روزنامه احتیاج به کمک دولت ندارد نتیجه خواهیم گرفت که قطعاً سایر روزنامه‌ها هم احتیاج ندارند.

ارقام ریز هزینه‌ها و درآمدهای این روزنامه در تراز مالی سال‌های ۷۳، ۷۴ و ۷۷ در جدول ۱، ۲ و ۳ آمده است و براساس عملکرد مربوط به سال ۷۳، ۷۴ و ۷۷ این روزنامه می‌توان ارقام درآمدی و هزینه روزنامه را بر اساس آماری که حسابداری آن روزنامه تهیه کرده است، به دست آورد.

### ۱-۶- هزینه‌ها

سرفصل‌های مربوط به هزینه این روزنامه، شامل هزینه‌های عملیاتی، توزیع و فروش، هزینه‌های اداری، حقوق و دستمزد، هزینه مالی، هزینه مالیات و هزینه استهلاک و برگشت از فروش و حق جذب و هزینه بیمه است. سهم هر یک از این اقلام برای سال‌های ۷۳، ۷۴ و ۷۷ در جدول شماره ۱، آمده است. در این جدول ترکیب هزینه‌ها با تعیین سهم هر یک در سال‌های ۷۳ و ۷۴ و ۷۷ محاسبه شده است. همان‌طوری که از جدول مذکور مشاهده می‌شود کل هزینه‌های این روزنامه (کار و کارگر) در سال ۷۳ کمی بیش از ۱۳ میلیارد ریال (یعنی ۱۳ میلیون تومان) بوده است. این هزینه‌ها برای سال ۷۴ به بیش از ۱۶/۵ میلیارد ریال (یعنی بیش از ۱۶۵ میلیون تومان) رسیده است که رشدی معادل ۲۶ درصد را نشان می‌دهد و در سال ۷۷ این هزینه‌ها به حدود ۱۳/۸ میلیون تومان رسیده است.

جدول ۱: هزینه‌های روزنامه کار و کارگر

سرفصل‌ها	سال ۱۳۷۳ ش. ه	نسبی (درصد)	سال ۱۳۷۴ ش. ه	نسبی (درصد)	سال ۱۳۷۷ ش. ه	نسبی (درصد)
هزینه عملیاتی	۶۲۱/۴۷۶/۲۵۲	۴۷/۷	۹۴۲/۰۴۱/۷۴۴	۵۶/۷۵	۳۴۰/۹۵۵۲۰۰	۲۴/۵۷
حقوق و دستمزد	۳۲۰/۲۹۹/۲۹۷	۲۴/۶	۳۳۲/۶۳۹/۶۵۰	۲۰/۰۴	۵۰۲/۱۰۶/۱۷۶	۳۶/۱۸
هزینه‌های مالی	۹۴۱۵	/۰۰۰۷	۲۶/۱۴۰	۰/۰۰۱	۱/۷۵۲/۹۶۹	۰/۱۳
هزینه‌های مالیات	۲۰/۷۲۶/۵۶۲	۱/۶	۳۵/۲۷۶/۲۵۴	۲/۱۳	۴۲/۶۰۰/۰۰	۰/۳
هزینه توزیع و فروش	۵۳/۵۱۱/۸۳۰	۴/۱	۵۲/۹۵۱/۰۰۰	۳/۱۹	۱۵۳/۱۶۸/۷۰۰	۱۱
سایر هزینه‌های اداری	۲۳۷/۰۲۸/۴۲۶	۱۸/۲	۲۴۵/۸۷۰/۳۹۸	۱۴/۸	۲۰۵/۷۷۸/۴۷۲	۱۴/۸
هزینه استهلاک	۱۰/۶۰۷/۷۵۵	۰/۸	۷/۴۶۵/۸۷۳	۰/۴۴	۴۰/۵۰۳/۷۵۵	۲/۹
هزینه حق جذب و بیمه	۱۰/۶۰۷/۷۵۵	۰/۸	۱۶/۶۸۱/۹۰۰	۱/۶	۱۷/۴۹۶/۰۴۰	۱/۲۶
برگشت از فروش	۳۹/۰۴۸/۲۴۵	۳	۲۶/۴۵۵/۹۴۸	۱	۸۲/۳۰۲/۴۰۰	۵/۹
تخفیفات فروش	۱/۴۲۴/۱۶۰	۰/۱۱	۴۹۲/۶۸۰	/۰۳	۸۳۵/۵۴۰	۵/۹
جمع	۱/۳۰۴/۱۳۱/۹۴۲	۱۰۰	۱/۶۵۹/۹۰۱/۵۸۷	۱۰۰	۱/۳۸۷/۴۹۹/۲۹۲	۰/۶۱۰۰

جدول ۲: اقلام درآمدی روزنامه کار و کارگر

سرفصل‌ها	سال ۱۳۷۳ ش. ه	نسبی (درصد)	سال ۱۳۷۴ ش. ه	نسبی (درصد)	سال ۱۳۷۷ ش. ه	نسبی (درصد)
فروش روزنامه	۱۷۱/۸۷۸/۲۱۵	۱۵/۸	۲۶۶/۶۱۶/۹۰۴	۲۴/۳	۵۹۱/۸۴۸/۹۷۰	۴۳/۷
درآمد آگهی	۵۹۴/۲۶۴/۹۶۸	۵۴/۸	۷۲۲/۰۱۴/۰۴۵	۵۱/۱۴	۶۴۰/۰۷۴/۸۲۰	۴۷/۲
درآمد عملیاتی (سایر)	۱۰/۱۳۴/۴۵۹	۰/۹۳	۲۰۰/۵۵۲/۶۴۰	۱۴/۳	۱۲۲/۲۸۴/۰۸۷	۹/۱
درآمد غیر عملیاتی (سایر)	۳۰۹/۷۲۷/۹۰۰	۲۸/۴۷	۲۱۶/۵۰۰/۰۰۰	۱۵/۴	-	-
جمع (۱)	۱/۰۸۸/۰۰۵/۵۴۲	۱۰۰	۱/۴۰۵/۶۸۳/۵۸۹	۱۰۰	۱/۳۵۵/۱۹۷/۸۷۷	۱۰۰
ذخیره استهلاک (۲)	۱۰/۶۰۷/۷۵۵	-	۷/۴۶۵/۸۷۳	-	۴۰/۵۰۳/۷۵۵	-
جمع (۱) و (۲)	۱/۰۹۸/۶۱۳/۲۹۷	-	۱/۴۱۳/۱۴۹/۴۶۲	-	۱/۳۹۵/۷۰۱/۶۳۲	-

هزینه عملیاتی شامل قیمت تمام شده روزنامه مذکور است، که بیش از ۶۲ میلیون تومان یعنی ۴۷/۷ درصد هزینه‌ها را در سال ۷۳ در برمی‌گیرد. بعد از هزینه عملیاتی دومین رقم شامل حقوق و دستمزد است که شامل رقمی در حدود ۲۵ درصد از کل هزینه‌ها می‌شود. هزینه‌های توزیع و هزینه‌های اداری به ترتیب ۱۸/۲ و ۴/۱ درصد در مراحل بعدی قرار دارند.

هزینه‌های عملیاتی در سال ۷۴ برابر با ۵۶ درصد کل هزینه یعنی حدود ۹۴ میلیون تومان بوده است، هزینه دستمزد با ۲۰ درصد، هزینه‌های اداری با ۱۴/۸ درصد، و هزینه توزیع و فروش با ۳/۱۹ درصد در مراحل بعدی قرار دارند.

یکی از ارقام هزینه‌ای که در سال ۷۳ وجود نداشته ولی در سال ۷۴ اضافه شده است، حق جذب است که چیزی در حدود ۱/۶ درصد هزینه‌های سال ۷۴ را در بر می‌گیرد.

هزینه عملیاتی در سال ۷۷ برابر با ۲۴/۵ درصد، حقوق و دستمزد ۳۶/۵ درصد، هزینه‌های مالی ۰/۱۳ درصد، هزینه توزیع ۰/۳ درصد و سایر هزینه‌های اداری ۱۴/۸ درصد است که به نظر می‌رسد کاهش هزینه عملیاتی به قیمت کاغذ و چاپخانه مربوط می‌شود که در روزنامه مذکور با کاهش مواجه بوده است، چرا که در سال ۷۴، روزنامه دارای چاپخانه شده است در حالی که در سال‌های ۷۳ و ۷۴ باید هزینه قابل توجهی برای چاپ می‌پرداخت.

اگر بخواهیم هزینه متوسط یا قیمت تمام شده هر شماره از روزنامه را محاسبه کنیم، می‌توانیم از رابطه زیر استفاده کنیم:

$$AC = \frac{TC}{N} \quad (1)$$

AC برابر با هزینه متوسط هر شماره روزنامه، TC هزینه کل و N تیراژ روزنامه در یک سال

است که برابر با تیراژ روزانه ضرب در تعداد روزهای سال که روزنامه منتشر شده است یعنی:

$$N = ۲۹۲ \times n \quad (2)$$

n تیراژ روزنامه است و N تیراژ سالانه

اکنون می‌توان رابطه (۱) را به صورت زیر نوشت:

$$AC = \frac{TC}{۲۹۲ \times n} \quad (3)$$

برای محاسبه هزینه متوسط یا قیمت تمام شده هر نسخه از روزنامه در سال ۷۷ به دو رقم

احتیاج داریم: نخست، هزینه کل که این رقم را به صورت واقعی برای سال ۷۷ در اختیار داریم و دوم، تیراژ روزانه. تیراژ روزانه براساس اطلاعاتی که مسئولان روزنامه به اداره کل مطبوعات ارائه کرده‌اند برابر با ۳۵ هزار نسخه در روز است. قیمت تمام شده روزنامه برابر است:

$$AC = \frac{1/387/499/252}{292 \times 35000} = 135 \quad (4)$$

یعنی هزینه هر نسخه از روزنامه مذکور برابر با ۱۳۵ ریال است. این رقم نمی‌تواند قابل اعتماد باشد زیرا هزینه کاغذ هر نسخه از روزنامه ۱۲ صفحه‌ای - وزن این صفحات اگر ۶۶ گرم باشد و قیمت هر تن کاغذ ۲۴۰ هزار تومان - برابر ۱۵۸ ریال می‌شود، به علاوه سایر هزینه‌ها نیز به آن اضافه می‌شود. لذا رقم ۱۳۵ ریال واقعی نیست، عدد ۲۹۲ روز و صورت معادله ۵ واقعی است. بنابراین تیراژ ۳۵۰۰۰ نسخه قطعاً واقعی نیست و باید از طریق دیگری آن را به دست آوریم.

می‌دانیم هزینه توزیع نشریات از طریق دکه‌ها، چیزی حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد قیمت هر نشریه است. یعنی  $\frac{1}{3}$  قیمت هر روزنامه، هزینه توزیع و فروش آن است. بنابراین روزنامه کاروکارگر که در سال ۷۷ دارای قیمت ۲۰۰ ریال بوده، فروش هر شماره  $\frac{133}{3}$  ریال درآمد و  $\frac{66}{6}$  ریال هزینه توزیع داشته است. بنابراین اگر کل فروش روزنامه را بر  $\frac{33}{3}$  تقسیم کنیم تعداد نسخه‌های فروخته شده در سال ۷۷ را به دست می‌آوریم:

$$N = \frac{591838970}{133/3} = 4/439902$$

یعنی ۴/۴ میلیون نسخه از این روزنامه در سال ۷۷ به فروش رفته است.

با تقسیم این عدد بر ۲۹۲، تیراژ متوسط به دست می‌آید:

$$\frac{3996500}{292} = 15205$$

یعنی تیراژ متوسط این روزنامه برابر با ۱۵۲۰۵ نسخه در روز بوده و از این رو می‌توان با قرار

دادن تیراژ در معادله (۳) هزینه متوسط را محاسبه کرد.

$$AC = \frac{TC}{292 \times n} = \frac{1387499252}{292 \times 15205} = 312$$

یعنی قیمت هر شماره روزنامه کاروکارگر برابر با ۴۱۲ ریال در سال ۷۷ بوده است.

## ۶-۲- ترکیب درآمدها

اقلام درآمدی روزنامه کار و کارگر در جدول ۲، از صورت عملکرد سود و زیان سال‌های ۷۳، ۷۴ و ۷۷ استخراج شده‌اند. ترکیب درآمدها نشان می‌دهد که درآمد آگهی حدود ۵۰ درصد کل درآمد روزنامه را شامل می‌شود. در سال ۷۳ درآمد آگهی نزدیک ۶۰ میلیون تومان و در سال ۷۴ نزدیک ۷۳ میلیون تومان بوده است. این رقم در سال ۷۷ به ۶۴ میلیون تومان رسیده است. دومین رقم مهم درآمدی، فروش روزنامه است که در سال ۷۳ بیش از ۱۷ میلیون تومان و در سال ۷۴ بیش از ۲۶ میلیون تومان و در سال ۷۷ نزدیک ۶۰ میلیون تومان بوده؛ یعنی ۲/۵ برابر شده است. البته افزایش درآمد فروش، ربطی به افزایش تیراژ ندارد بلکه مربوط به افزایش قیمت است که به یک‌باره قیمت از ۵۰ و ۱۰۰ ریال در سال‌های ۷۳ و ۷۴ به ۲۰۰ ریال در سال ۷۷ رسیده است.

سومین رقم درآمدی، مربوط به درآمد غیرعملیاتی است که عمدتاً شامل یارانه‌های دولتی است و در سال ۷۳ بیش از ۳۰ میلیون تومان و در سال ۷۴، بیست و یک میلیون تومان و در سال ۷۷، حدود ۱۲ میلیون تومان بوده است. این ارقام هر یک به ترتیب ۲۸/۴۷، ۱۵/۴، ۹/۱ درصد کل دریافتی روزنامه را شامل می‌شود.

با توجه به تیراژ روزنامه و تعداد روزهایی که در طی سال روزنامه منتشر شده است، می‌توان درآمد متوسط هر شماره روزنامه را محاسبه کرد. اگر درآمد متوسط را با AR و کل درآمد را با TR و تعداد کل نسخه‌های روزنامه در طی سال را با N و تیراژ روزنامه را با n نشان دهیم، خواهیم داشت:

$$AR = \frac{TC}{N} = \frac{TR}{۲۹۲ \times n} \quad (۵)$$

۲۹۲ تعداد روزهایی است که در طی سال روزنامه منتشر شده است. اکنون با جایگزین کردن

TR و n در معادله (۵) خواهیم داشت:

$$AR = \frac{۱/۳۵۵/۱۹۷/۸۷۷}{۲۹۲ \times ۱۵۲۰۵} = ۳۰۵/۲$$

یعنی درآمد متوسط هر نسخه از روزنامه در سال ۷۷ برابر با ۳۰۵/۲ ریال بوده که ۱۳۳/۳

ریال آن از طریق قیمت روزنامه (فروش) و ۱۴۴ ریال آن از طریق آگهی و ۲۸ ریال از طریق سایر



درآمد عملیاتی و یارانه‌های دولتی به‌دست آمده است. اگر یارانه را حذف کنیم درآمد هر شماره برابر خواهد بود با:

$$\text{ریال } ۱۳۳/۳ + ۱۴۴/۳ = ۲۷۷/۳$$

بدین ترتیب می‌توان مقدار زیان در هر شماره را محاسبه کرد:

$$۴۱۲ - ۲۷۷/۳ = ۱۳۴/۷$$

در صورت حذف یارانه در هر شماره مبلغ ۱۳۴/۷ ریال، روزنامه زیان خواهد رسید. این زیان در یک سال با توجه به تیراژ ۱۵۲۰۵ نسخه در روز و با توجه به این‌که ۲۹۲ روز روزنامه منتشر می‌شود برابر است با:

$$۱۳۴/۷ \times ۱۵۲۰۵ \times ۲۹۲ = ۵۹۸/۰۴۹/۱۴۲$$

یعنی حدود ۵۹ میلیون تومان در یک‌سال، هزینه‌های روزنامه بیشتر از درآمد آن خواهد بود. آمار و ارقام نشان می‌دهد در سال ۷۴، ۱۷۳/۴۰۰/۰۰۰ ریال یارانه در سه نوبت به این روزنامه اختصاص یافته است. مبلغ ۵۲۹۲۰۰ دلار یا ارز ۳۰۰ تومانی و در سال ۷۶ و ۷۵ به ترتیب ۲۲۵ هزار دلار و ۱۴۲/۲۰۰ هزار دلار دریافت کرده است. از آن‌جا که آمار سال ۷۷ منتشر نشده و قابل دستیابی نبود، به آمار سال‌های ۷۶ و ۷۵ استناد کردیم. با این‌که هر ساله تهیه ارز تخصیصی افزایش یافته است ولی حتی اگر ارز سال ۷۶ را ملاک ۷۷ قرار دهیم، از آن‌جا که مابه‌التفاوت نرخ ارز ۶۰۰ = ۳۰۰ - ۹۰۰ تومان است، برابر با ۱۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۶۰۰۰ × ۲۲۰/۰۰۰ ریال یعنی نزدیک به ۱۳۲ میلیون تومان به‌صورت غیرمستقیم از دولت کمک دریافت کرده است.

یارانه مستقیمی که این روزنامه دریافت کرده است حدود ۱۲ میلیون تومان و جمع یارانه مربوط به این روزنامه حدود ۱۴۴ میلیون تومان در سال است. یارانه پرداختی به هر نسخه از این نشریه برابر است با AS:

$$AS = \frac{۱۴۴۰/۰۰۰/۰۰۰}{۲۹۲ \times ۱۵۲۰} = ۳۲۴$$

یعنی در هر نسخه ۳۲۴ ریال یارانه دریافت کرده است در حالی که میزان زیان آن بر اساس آمار و ارقام عرضه شده توسط مسئولان روزنامه در هر شماره معادل ۱۳۴/۷ ریال بوده است، یعنی در هر شماره ۱۸۹/۳ ریال سود ناشی از پرداخت یارانه داشته است.

به عبارت دیگر اگر فرض را بر صحت آمار و ارقام عرضه شده بدانیم میزان یارانه مورد نیاز روزنامه برای جلوگیری از ضرر برابر ۵۹۸/۰۴۹/۱۴۲ ریال بوده است (۵۹ میلیون تومان)، در حالی که دولت در همان سال بیش از ۱۴۴ میلیون تومان به صورت مستقیم و غیرمستقیم به این روزنامه کمک کرده است. با این اوصاف، آیا معنای این محاسبات این است که لزوماً باید پذیرفت که دولت باید مبلغ ۵۹ میلیون تومان کمک می‌کرد یا نه؟ به عبارت دیگر آیا از این بررسی نتیجه می‌گیریم که این روزنامه در سال، دست کم احتیاج به ۵۹ میلیون تومان کمک دارد؟ یعنی اگر ملاک ما جدای از بررسی میزان فواید اجتماعی هر روزنامه، سود و زیان اقتصادی روزنامه باشد آیا باید به این روزنامه یا روزنامه‌هایی که چنین وضعیتی دارند کمک نمود؟

در جواب باید گفت به دو دلیل معمولاً بنگاه‌های بخش خصوصی آمار و اطلاعات واقعی خود را عرضه نمی‌کنند و سعی می‌کنند در حساب‌های خود به هر نحوی که شده زیان نشان دهند. یکی برای فرار از مالیات و دیگری برای دریافت یارانه. لذا در روزنامه مذکور برای مثال علاوه بر این که آمار و اطلاعات واقع شده آن‌ها را در سال‌های ۷۳، ۷۴ و ۷۷ داشتیم (واقع شده از دیدگاه مسئولان روزنامه) ولی مانند سایر روزنامه‌ها درآمد آگهی آن‌ها را از طریق نمونه‌گیری نیز حساب کرده‌ایم و به جدول ۳، درباره میزان آگهی‌های روزانه خصوصی و دولتی این روزنامه در جامعه نمونه رسیدیم. از آن جدول، دو جدول شماره ۴ و ۵ استخراج شده است. قبل از آن که به نتیجه‌گیری و تحلیل ارقام بپردازیم بهتر است توضیح داده شود که این ارقام چگونه به دست آمده‌اند. جدول ۳، مربوط است به میزان آگهی دولتی و خصوصی در جامعه نمونه برحسب صفحه، در هر روز برحسب صفحه و در هر سال برحسب صفحه. این ارقام حاصل نمونه‌گیری از ۳۰ شماره از روزنامه در طی سال است. برای مثال در ستون دوم مربوط به صفحه اول که میزان آگهی دولتی درج شده است، ابتدا میزان آگهی مندرج در این صفحه برحسب دولتی و خصوصی در کل حجم نمونه اندازه‌گیری و سپس به حجم کل صفحه تقسیم شده است. آگهی‌های دولتی و خصوصی جداگانه جمع شده‌اند و به میزان آگهی خصوصی و دولتی در جامعه نمونه که شامل ۳۰ شماره روزنامه است، رسیده‌ایم و آن‌گاه آن را به متوسط آگهی خصوصی در هر روز و سپس در هر سال تبدیل کرده‌ایم. این کار برای تمامی صفحات این روزنامه صورت گرفته است؛ و در

نهایت سعی شده که اندازه‌های گرفته شده دقیق باشند (و همان‌طوری که قبلاً توضیح داده شد جامعه نمونه هم به صورت تصادفی انتخاب شده است سپس تعرفه‌های خصوصی و دولتی و تعرفه صفحات مختلف روزنامه را برحسب یک صفحه محاسبه کرده‌ایم و کل درآمد روزانه و سالانه آگهی را در هر صفحه به دست آورده‌ایم).

جدول ۳: درآمد حاصل از آگهی‌های خصوصی  
روزنامه کار و کارگر\*

صفحه	متوسط آگهی روزانه برحسب صفحه	متوسط درآمد آگهی روزانه	متوسط درآمد سالانه حاصل از آگهی (ریال)
۱	۰/۲۸	۵/۴۸۸/۰۰۰	۱۵/۹۱۰/۴۹۶/۰۰۰
۳ و ۲	۰/۱۷	۱/۹۰۴/۰۰۰	۵۵۵/۹۶۸/۰۰۰
داخلی	۱/۱۷۴	۳/۱۶۹/۸۰۰	۹۲۵/۵۸۱/۶۰۰
جدول (۵)	۰/۴۷	۱/۷۴۸/۴۰۰	۵۱۰/۵۳۲/۸۰۰
آخر	۰/۰۵۴	۶۶۵/۲۸۰	۱۹۴/۲۶۱/۷۶۰
جمع	۲/۴۸	۱۲/۹۷۵/۴۸۰	۳/۷۸۸/۸۴۰/۱۶۰

\* ارقام مذکور برحسب تعرفه سال ۷۸ محاسبه شده است.

جدول ۴: آگهی دولتی کار و کارگر

صفحه	متوسط میزان آگهی برحسب صفحه	متوسط میزان آگهی برحسب صفحه	متوسط درآمد حاصل از آگهی (روزانه)	متوسط درآمد حاصل از آگهی (سالانه)
۱	۰/۰۱	۲/۹۲	۱۸/۷۶۰	۵/۴۷۷/۹۲۰
۳ و ۲	۰/۰۵۹	۱۷/۲۲۸	۸۶/۹۶۶	۲۵/۳۹۴/۰۷۲
آخر	۰	۰	۰	۰
داخلی	۱/۱۸	۳۳۴/۵۶	۷۹۰/۶۰۰	۲۳۰/۸۵۵/۲۰۰
جمع	۱/۲۴۹	۳۶۴/۷۰۸	۸۹۶/۳۲۶	۲۶۱/۷۲۷/۱۹۲

جداول ۴ و ۵، نتیجه این محاسبات را نشان می‌دهد. البته همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود میزان آگهی‌ها برحسب صفحات اول و داخلی دوم و سوم و جدول و آخر محاسبه شده‌اند این تقسیم‌بندی با توجه به تعرفه‌ها صورت گرفته است. روزنامه کار و کارگر ۳۷/۷۳ صفحه آگهی دولتی و ۶۴/۴۴ صفحه آگهی خصوصی در جامعه نمونه داشته است. این ارقام در روز به‌طور متوسط ۱/۲۴۹ و ۲/۱۴۸ صفحه به ترتیب برای آگهی‌های دولتی و خصوصی بوده و در طی سال ۶۲۷/۲۰ صفحه آگهی خصوصی و ۳۶۴ صفحه آگهی دولتی داشته است. یعنی به‌طور متوسط در هر شماره ۳/۳۷ صفحه آگهی دولتی و خصوصی وجود داشته است. اگر روزنامه مذکور را به‌طور متوسط ۱۲ صفحه در نظر بگیریم، ۲۸ درصد آن را آگهی تشکیل داده است. با ضرب تعرفه‌های سال ۱۳۷۷ ه. ش برحسب صفحه در میزان آگهی به جداول مذکور رسیده‌ایم. اولین جدول نشان می‌دهد که در صفحه اول به‌طور متوسط ۲۸٪، در صفحه دوم و سوم جمعاً ۱۷٪، در صفحات داخلی جمعاً ۱/۷۴ صفحه و در صفحه پنجم به‌طور متوسط ۴۷٪ و در صفحه آخر به‌طور متوسط ۰/۰۵۴ صفحه آگهی خصوصی در روزنامه کار و کارگر درج شده است. با ضرب تعرفه‌ها در میزان آگهی برحسب روز معلوم شده است که جمعاً ۱۲/۹۷۵/۴۸۰ ریال درآمد آگهی در روز بوده و در سال بیش از ۳۷۸ میلیون تومان میزان درآمد آگهی خصوصی درج شده در روزنامه است. همین محاسبات برای آگهی بخش دولتی صورت گرفته و در جدول ۴، نتیجه محاسبات نشان داده شده است (تعرفه جدول مذکور برحسب مصوبه هیئت وزیران به‌دست آمده). اطلاعات استخراج شده نشان می‌دهد که به‌طور متوسط این روزنامه ۱/۲۴۹ صفحه از صفحات خود را به آگهی دولتی اختصاص داده است که در روز حدود ۹۰ هزار تومان براساس تعرفه‌های مذکور عایدی این روزنامه از آگهی‌های دولتی و در سال بیش از ۲۶ میلیون تومان بوده است. جمع آگهی‌های دولتی و خصوصی در جدول ۵، آمده است.

جدول ۵: درآمد آگهی دولتی روزنامه کار و کارگر (ریال)

سالانه	روزانه به‌طور متوسط	درآمد آگهی
۳/۷۸۸/۸۴۰/۱۶۰	۱/۲۹۷/۵۴۸۰	خصوصی
۲۶۱/۷۲۷/۱۹۲	۸۹۶/۳۲۶	دولتی
۴/۰۵۰/۵۶۷/۳۵۲	۱۳/۸۷۱/۸۰۶	جمع

جدول ۵، نشان می‌دهد که میزان درآمد آگهی روزنامه مذکور به‌طور متوسط در هر روز بیش از ۱۳ میلیون ریال و در سال بیش از ۴۰۵ میلیون تومان است و این در حالی است که در شرح عملکرد سال ۷۷ که توسط روزنامه برای اداره دارایی تهیه شده، میزان درآمد آگهی ۶۴ میلیون تومان در سال درج شده است. تفاوت این دو رقم یک تفاوت معمولی نیست که بگوئیم به اشتباه محاسبه مربوط می‌شود و یا چون این محاسبه براساس جامعه نمونه است به درجه اعتماد و فاصله اعتماد برمی‌گردد.

البته نکته قابل ذکر این است که روزنامه‌ها برای دریافت آگهی غالباً پورسانت پرداخت می‌کنند. این پورسانت برحسب نوع روزنامه متفاوت است. در روزنامه‌های کثیرالانتشار نظیر همشهری این پورسانت درصد ناچیزی از کل درآمد را شامل می‌شود (حدود ۵ درصد) اما در روزنامه‌هایی که تیراژ آن‌ها در حد روزنامه کار و کارگر است این پورسانت از ۱۰ تا ۴۰ درصد در نوسان است، که البته شامل آگهی‌های دولتی نمی‌شود و فقط شامل آگهی‌های خصوصی می‌شود؛ حتی اگر ۲۵ درصد از کل درآمد مذکور را به‌منزله هزینه پورسانت کم کنیم به رقمی بالای ۳۰۳ میلیون تومان می‌رسیم. یعنی:

$$\text{ریال } 4/050/567/352 \times 0/75 = 3037/925/514$$

البته ما در این جا آگهی‌های دولتی را هم لحاظ کرده‌ایم در حالی که می‌دانیم پورسانت آگهی‌های دولتی هرگز ۲۵ درصد نیست. به عبارت دیگر اگر صحت همه ارقام مربوط به هزینه‌های روزنامه مذکور را بپذیریم و آن‌ها را واقعی بدانیم و میزان کل هزینه‌های روزنامه را برابر با همان رقم مندرج در شرح عملکرد یعنی ۱۶۵ میلیون تومان برای سال ۷۴ و ۱۳۰ میلیون تومان برای سال ۷۳ و ۱۳۸ میلیون تومان برای سال ۷۷ بدانیم، میزان درآمد آگهی و فروش بیش از این هزینه‌هاست.

به هر حال در روزنامه بررسی شده اگر درآمد آگهی را حدود ۳۰۳ میلیون تومان در سال ۷۷ در نظر بگیریم و حساب سود و زیان آن را بر این اساس اصلاح کنیم به نتایج جدول ۶ می‌رسیم:

## جدول ۶: حساب سود و زیان روزنامه کار و کارگر در سال ۱۳۷۷ ه. ش

۵۹۱/۸۳۸/۹۷۰	درآمد فروش	۱/۳۸۷/۴۹۹/۲۵۲	جمع کل هزینه‌ها
۳/۰۳۷/۹۲۵/۵۱۴	درآمد آگهی		با استهلاک
۶۴۰/۰۷۴/۸۲۰	درآمد عملیاتی	۲/۸۸۲/۳۴۰/۰۵۲	سود خالص
۴/۲۶۹/۸۳۹/۳۰۴		۴/۲۶۹/۸۳۹/۳۰۴	

در جدول بالا، درآمد غیرعملیاتی که شامل یارانه است وارد نشده است.

نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که براساس اطلاعات به دست آمده از جامعه نمونه و با فرض صحت همه اطلاعات ارائه شده توسط روزنامه درباره هزینه‌ها و درآمدها (به جزء آگهی‌ها) به این نکته می‌رسیم که روزنامه مطالعه شده نیازی به یارانه دولت ندارد. بلکه سالانه نزدیک ۲۸۸ میلیون تومان نیز سود داشته است.

هزینه هر نسخه از روزنامه در سال ۷۴ برابر با ۴۱۶ ریال بوده است. در حالی که اکنون این هزینه کمتر شده و به ۳۱۲/۵ ریال رسیده است. پس از بررسی مشخص شد در سال ۷۴ هزینه‌های چاپ را در صورت حساب‌ها وارد می‌کردند و در حال حاضر این کار را نمی‌کنند. زیرا در سال ۷۴ روزنامه فاقد چاپخانه بوده است در حالی که اکنون دارای چاپخانه است؛ لذا هزینه چاپ از کل هزینه در سال ۷۷ حذف شده و چاپخانه برای خود دارای تراژنامه مستقلی است. از این رو قیمت سایه‌ای آن را در نظر می‌گیریم. هزینه هر نسخه از روزنامه در حال حاضر ۴۰ ریال (۳۵۲/۵ ریال) است که به آن اضافه می‌شود.

این محاسبات برای روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، رسالت، همشهری، ایران، سلام و اخبار اقتصادی نیز انجام شده است. از آن جا که آمار و ارقام محاسباتی در ظاهر بزرگ هستند و امکان مقایسه آن با هزینه سایر نشریات مشکل است آن‌ها را برحسب سرانه تولید می‌نویسیم. یعنی درآمد، هزینه و یارانه متوسط هر نسخه و بالاخره سود و زیان متوسط هر نسخه محاسبه می‌شود (جدول ۷). بر این اساس درآمد متوسط هر نسخه از روزنامه برابر با ۹۶۱ ریال (AR) و هزینه متوسط آن برابر با ۳۱۲/۵ ریال (AC) و یارانه متوسط هر نسخه برابر با

۳۲۴ (AS) ریال است؛ یعنی در هر نسخه، سودی معادل ۹۷۲/۵ ریال نصیب روزنامه مذکور می‌شود.

$$\text{سود} = AR + AS - AC$$

$$\text{سود} = ۹۶۱ + ۳۲۴ - ۳۱۲/۵ = ۹۷۲/۵$$

جدول ۷: هزینه‌های متغیر و ثابت هر نسخه از روزنامه

در سال ۱۳۷۷ ه. ش

روزنامه	کیهان	اطلاعات	جمهوری اسلامی	کاروکارگر	ابرار	رسالت	همشهری	ایران	سلام	اخبار
وزن (گرم)	۱۴۴	۱۴۴	۹۶	۶۶	۶۹	۹۶	۷۶	۷۶	۶۶	۶۹
تعداد صفحه	۲۴	۲۴	۱۶	۱۲	۱۲	۱۶	۱۶	۱۶	۱۲	۱۲
هزینه کاغذ (ریال) AVC	۳۴۵	۳۴۵	۲۳۰	۱۵۸	۱۶۵	۲۳۰	۱۸۲	۱۸۲	۱۵۸	۱۶۵
هزینه چاپ (ریال)	۸۰	۸۰	۵۰	۴۰	۴۰	۵۰	۱۲۷	۱۲۷	۴۰	۴۰
هزینه توزیع (ریال)	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۶	۶۶	۱۶۶	۱۶۶	۶۶	۱۳۳	۱۶۶	۱۶۶
جمع هزینه متغیر AVC	۵۸۱	۵۹۱	۴۴۶	۲۰۰/۵	۲۷۱	۴۴۶	۳۷۵	۴۴۲	۳۶۴	۳۷۱
هزینه ثابت متوسط AFC	۱۵/۳	۲۹	۴۱/۷	۴۸	۸۳	۴۸	۱۳/۲	۲۶/۹	۴۸	۴۸
هزینه کل هر نسخه (ریال)	۵۹۶/۳	۶۱۰	۴۸۷/۷	۴۵۲/۵	۴۵۴/۵	۴۹۴	۳۸۸/۲	۴۶۸/۹	۴۱۲	۴۱۹
درآمد متوسط هر نسخه	۱۱۷۰	۹۴۸	۷۸۴	۹۶۱	۷۸۶	۷۸۶	۶۸۹	۷۶۹	۴۴۶	۶۶۹
سود (ریال) (ریان)	۵۷۳/۷	۳۳۸	۲۹۶/۳	۵۰۸/۵	۳۲۲	۲۹۲	۳۰۰/۸	۳۰۰/۱	۳۴	۲۵۰

داده‌های جدول ۷، نشان می‌دهد که درآمد متوسط هر نسخه که در سطر دهم آمده است، بیش از کل هزینه متوسط ثابت و متغیر همان روزنامه‌هاست. به طوری که در سطر دهم میزان سود آن‌ها در هر نسخه آمده و به ترتیب روزنامه‌های کیهان ۵۷۳/۷ ریال، اطلاعات ۳۳۸ ریال، جمهوری اسلامی ۲۹۶/۳ ریال، کار و کارگر ۵۰۸/۵ ریال، ایثار ۳۳۲ ریال، رسالت ۲۹۲ ریال، همشهری ۳۰۰/۸ ریال، ایران ۳۰۰/۱، سلام ۳۴ و اخبار اقتصاد ۲۵۰ ریال در هر شماره سود داشته است. روزنامه‌ای که بر اساس این نمونه‌گیری کمترین سود را دارد روزنامه سلام است که در هر شماره ۳۴ ریال سود می‌دهد.

اگر ملاک دولت در پرداخت یارانه فقط سود و زیان روزنامه‌ها باشد، سایر روزنامه‌ها بر اساس فرض گفته شده هیچ‌یک احتیاج به کمک دولت نداشته‌اند. اما این‌که آیا دولت به تناسب میزان سود و زیان روزنامه‌ها به آن‌ها کمک کرده یا نه، و این‌که این کمک‌ها به چه هدفی صورت می‌گیرد و آیا با این کمک‌ها دولت می‌تواند سیاست‌گذاری کند و دیگر این‌که در صورت لزوم کمک دولت، این کمک‌ها بر چه اساسی و با چه نسبتی باید صورت گیرد بحثی است که باید بررسی شود.

اگر هدف از پرداخت یارانه دولت، صرفاً جلوگیری از زیان برای ادامه فعالیت مطبوعات باشد پرداخت‌های فعلی، توجیهی ندارد. اصل کمک به مطبوعات و میزان آن در سال‌های اخیر و اهداف یارانه‌ها و آثار یارانه پرداختی لازم است بررسی شود.

در بخش پیشین تا اندازه‌ای منطق اقتصادی کمک به مطبوعات روشن شد، در اینجا اشاره مختصری به ترکیب یارانه‌های دولت به مطبوعات خواهیم داشت، و سپس خواهیم دید که آیا پرداخت یارانه توسط دولت، هدف افزایش تیراژ و افزایش تقاضای مردم را تأمین می‌کند یا خیر؟

میزان کمک‌های دولت در طی دو سال ۷۶ و ۷۵ در جداول ۸ و ۹ برای کل نشریات تحت حمایت دولت آمده است. در سال ۷۵ همان طوری که در جدول پیداست روزنامه‌ها یارانه را به صورت مستقیم دریافت کرده‌اند. در سال ۷۶ در سه نوبت کمک نقدی دریافت کرده‌اند که در جدول مذکور آمده و یک نوبت ارز بر مبنای ۳۰۰ تومان برای خرید کاغذ دریافت کرده‌اند.



جدول ۸: تیراژ و یارانه ارزی و ریالی نشریات در سال ۱۳۷۵ ه. ش.

نام نشریه یا مؤسسه	تیراژ	سهیمه ارزی	سهیمه یارانه						
			کل سال	سه‌ماهه چهارم	سه‌ماهه سوم	سه‌ماهه دوم	سه‌ماهه اول	سه ساله	سهیمه ارزی
روزنامه ایران	۳۰/۰۰۰		۶۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۹۹۰/۰۰۰	
ایراد ورزشی	۱۵۰/۰۰۰								
روزنامه اخبار	۱۵۰۵۰		۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۷۸/۸۹۵	
روزنامه اطلاعات	۲۶۰/۵۰۰		۲/۷۸۲/۰۰۰/۰۰۰	۴۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۹۱۳/۰۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۶۵۵/۰۰۰	
روزنامه ایران نیوز	۷۰۰		۷۲/۰۰۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۰۰۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۷۰/۰۰۰	
روزنامه تهران تایمز	۹۱۰۰		۷۷/۰۰۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۰۰۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۰۰۰	
روزنامه جمهوری اسلامی	۷۰/۰۰۰		۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۹۵/۰۰۰/۰۰۰	۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰	۶۶۹/۰۰۰	
جهان اقتصاد	۳۰/۰۰۰ ۲۰/۰۰۰ ۴۵/۰۰۰		۱۱۹/۰۰۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۰۰۰/۰۰۰	۴۴/۰۰۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۲/۰۰۰	
روزنامه خبر جنوب	۱۰۰/۰۰۰ ۲۰/۰۰۰ ۱۰۰/۰۰۰	قطب خبر جنوب ۱۶۵/۰۱۵/۰۰۰	۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۹۰/۰۰۰/۰۰۰	۹۷۱/۰۰۰	
روزنامه خراسان	۴۱/۰۰۰		۳۰۵/۰۰۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۵/۰۰۰/۰۰۰	۴۱۲/۰۰۰	
روزنامه رسالت	۳۷/۴۵۰		۲۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۹۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۴۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۱۵/۰۰۰	

ادامه جدول ۸: تیراژ و یارانه ارزی و ریالی نشریات در سال ۱۳۷۵ ه. ش

نام نشریه یا مؤسسه	تیراژ	سهیمه ارزی	سهیمه یارانه						
			کل سال	سهماهه چهارم	سهماهه سوم	سهماهه دوم	سه ماه اول	سه ساله	سهیمه ارزی
روزنامه سلام	۷۰/۰۰۰	۶۳/۰۰۰	۳۲۵/۵۳۰/۰۰۰	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۵/۰۰۰/۰۰۰	۶۳/۰۰۰	۷۰/۰۰۰
روزنامه قدس	۱۹/۰۰۰ ۳۰/۰۰۰	۴۷/۰۰۰	۱۹۴/۷۲۵/۰۰۰	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۷/۰۰۰	۱۹/۰۰۰ ۳۰/۰۰۰
کار و کارگر	۲۱/۷۰۰	۲۳/۰۰۰	۱۴۲/۲۰۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۹۰/۰۰۰/۰۰۰	۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳/۰۰۰	۲۱/۷۰۰
روزنامه کیهان	۲۵۲/۰۰۰	۴/۶۲۳/۰۰۰	۲/۹۷/۸۶۰/۰۰۰	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۴/۶۲۳/۰۰۰	۲۵۲/۰۰۰
گل آقا هفتگی	۶۲/۵۰۰		۸۷/۱۲۵/۰۰۰	۲۵/۰۰۰/۰۰۰	۳۷/۰۰۰/۰۰۰	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۴۷/۰۰۰/۰۰۰	۱۷۷/۲۰۰	۶۲/۵۰۰
گل آقا ماهانه	۱۸/۲۴۴								۱۸/۲۴۴
گل آقا سلاته	۴۰/۰۰۰								۴۰/۰۰۰
روزنامه هفتگری	۴۰۰/۰۰۰ ۴۰۶/۰۰								۴۰۰/۰۰۰ ۴۰۶/۰۰
روزنامه عصر		۳۰/۰۰۰							۳۰/۰۰۰
جامعه									
جهان اسلام									
سایر نشریات							۷/۳۰۲/۰۰۰/۰۰۰		
جمع کل			۸/۷۸۸/۶۸۵/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳/۳۲۴/۰۰۰/۰۰۰	۴/۹۴۰/۰۰۰/۰۰۰		

جدول ۹: میزان یارانه دولت به روزنامه‌ها و نشریات\*

تیراژ	یارانه هر نسخه	جمع به ریال	کمک‌های نقدی	معادل کمک ارزی	نام نشریه
۳۰/۰۰۰	۶۱۷	۵۵۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۶۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۴/۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰	روزنامه ایرار
۱۵۰/۰۰۰		-	-	-	ایرار ورزشی
۱۵۰۰۰	۲۴۶	۱۱۱۴۴۷۵۰۰۰	۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۹۴/۴۷۵/۰۰۰	روزنامه اخبار
۲۶۰/۵۰۰	۳۹۷	۳۱۰۵۸۰۰۰/۰۰۰	۲/۷۸۳/۰۰۰/۰۰۰	۲۸/۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰	روزنامه اطلاعات
۱۱۵/۰۰۰	-	۳۱۰۵۸/۰۰۰/۰۰۰	-	۲۸/۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰	اطلاعات هفتگی
۷۰۰۰	۲۰۰	۴۲۲/۰۰۰/۰۰۰	۷۲/۰۰۰/۰۰۰	۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰	ایران نیوز
۹۱۰۰	۱۸۲	۴۹۷/۰۰۰/۰۰۰	۷۷/۰۰۰/۰۰۰	۴۲۰/۰۰۰/۰۰۰	تهران تایمز
۷۰/۰۰۰	۱۸۳	۳/۸۵۵/۰۰۰/۰۰۰	۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۳/۳۴۵/۰۰۰/۰۰۰	جمهوری اسلامی
۹۵۰۰۰	۲۲	۶۲۹۰۰/۰۰۰	۱۱۹/۰۰۰/۰۰۰	۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰	جهان اقتصاد
۲۳۰/۰۰۰	۹۸۰	۵/۵۰۵/۰۰۰/۰۰۰	۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۴/۸۵۵/۰۰۰/۰۰۰	روزنامه خبر خبر جنوب خبر ورزشی
۷۷۰۰	۲۱۲	۵۱۱/۰۰۰/۰۰۰	۳۰۵/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۶۰/۰۰۰/۰۰۰	روزنامه خراسان
۲۳۴۵۰	۲۴۴	۲/۴۵۹/۰۰۰/۰۰۰	۳۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۷۵/۰۰۰/۰۰۰	روزنامه رسالت
۷۰/۰۰۰	۱۶۹	۳/۵۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۴۱۵/۰۰۰/۰۰۰	۳/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	روزنامه سلام
۴۸/۰۰۰	۱۸۹	۲/۷۲۲/۰۰۰/۰۰۰	۳۷۲/۰۰۰/۰۰۰	۲/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰	روزنامه قدس
۲۳۷۰۰	۱۹۳	۱/۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲۵/۰۰۰/۰۰۰	۱/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	کار و کارگر
۲۵۳/۰۰۰	۳۰۴	۲۳/۱۱۵/۸۸۰/۰۰۰	۲/۵۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۱۱۵/۰۸۰/۰۰۰	روزنامه کیهان
۱۷۷/۲۰۰	۱۹	۱/۰۳۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۸۶/۰۰۰/۰۰۰	گل آقا
۴۰۶/۰۰۰	۳/۵		۴۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۰	همشهری
-	-	۱۶۹/۰۰۰/۰۰۰	۱۹/۰۰۰/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	روزنامه عصر
-	-	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۰	جامعه
-	-	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰		جهان اسلام
-	-	-	۲/۵۱۱/۰۰۰/۰۰۰	۲/۵۱۱/۰۰۰/۰۰۰	سایر نشریات
		۹۲/۴۱۷/۰۵۵/۰۰۰	۱۲/۵۷۹۰۰۰/۰۰۰	۷۹/۸۳۸/۰۵۵/۰۰۰	جمع کل

\* تعداد روزهایی که روزنامه منتشر می‌شود ۳۰۰ روز در نظر گرفته شده و اعداد گرد شده‌اند.

میزان کمک‌های ارزی دولت برای کل نشریات ۱۶/۴۹۳/۰۹۵ دلار بوده است. در بازار آزاد (غیرقانونی) نرخ برابری دلار در سال ۷۶ برابر با ۸۰۰ تومان بوده است، یعنی دولت در هر دلار معادل ۵۰۰۰ تومان به مطبوعات کمک کرده است، بنابراین میزان کل کمک‌های ارزی برابر است با:

$$\text{ریال } 15967611 \times 5000 = 79838055 / 000$$

کل یارانه دریافتی نیز معادل ۱۲/۵۷۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال و جمع این دو رقم برابر با ۹۲/۴۱۷/۰۵۵/۰۰۰ ریال است. یعنی دولت بیش از ۹/۲ میلیارد تومان در سال ۷۷ به مطبوعات کمک کرده است.

این رقم در سال ۷۴ معادل ۸ میلیارد تومان بوده است. در آن سال تیراژ نشریات کمی بیش از یک میلیون نسخه در روز بوده ولی در سال ۷۷ بیش از دو میلیون نسخه در روز بوده است. در جدول ۹، میزان کمک ریالی و کمک ارزی به نشریات در سال ۱۳۷۶ ه. ش (آخرین سالی که امکان دسترسی به آمار آن ممکن شد) آمده است. براساس اطلاعات مندرج در این جدول تیراژ روزنامه‌ها در سال ۱۳۷۶ ه. ش، ۱/۷۵۹/۳۰۰ نسخه است و براساس آمار غیررسمی این تیراژ به بیش از دو میلیون نسخه در روز رسیده است. البته تیراژ مذکور بدون احتساب هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و سالنامه‌هاست و فقط نشریات روزانه را در برمی‌گیرد. از آن‌جا که نزدیک ۸ میلیارد تومان از کمک‌های دولتی مربوط به مابه‌التفاوت قیمت ارز در بازار آزاد با قیمت‌های دولتی است، این کمک چندان ملموس نیست. در حالی که در مقایسه با کمک ۱/۲ میلیارد تومانی که به صورت مستقیم کمک می‌شود، بسیار قابل توجه است و روزنامه‌هایی که از سهمیه‌های ارزی بیشتری بهره‌مند شده‌اند در عمل کمک‌های بیشتری دریافت کرده‌اند. اگر میزان کمک‌های پرداختی مستقیم و غیرمستقیم هر نشریه را به تیراژ آن در طول یکسال تقسیم کنیم میزان یارانه پرداختی بابت هر نسخه روزنامه به دست می‌آید. محاسبات نشان می‌دهد که دولت به هر نسخه از روزنامه ابرار ۶۱۷ ریال؛ روزنامه اخبار ۲۴۶ ریال؛ روزنامه اطلاعات ۳۹۷ ریال؛ ایران نیوز ۲۰۰ ریال؛ تهران تایمز ۱۸۲ ریال؛ روزنامه جمهوری اسلامی ۱۸۳ ریال؛ جهان اقتصاد ۲۲ ریال؛ خبر جنوب ۸۰ ریال؛ روزنامه خراسان ۲۱۲ ریال؛ رسالت ۲۴۴ ریال؛ روزنامه سلام ۱۶۹ ریال؛ روزنامه قدس ۱۸۹ ریال و روزنامه کار و کارگر ۱۹۳ ریال؛ کیهان ۳۰۴

ریال؛ گل آقا ۱۹ ریال و به هر نسخه روزنامه همشهری ۳۱۵ ریال پرداخت کرده است. بیشترین کمک مربوط به روزنامه اطلاعات و کیهان است. به‌طور متوسط به هر نسخه روزنامه ۱۶۹ ریال پرداخت شده در حالی که در سال ۷۴ برای هر نسخه روزنامه، ۱۰۷ ریال پرداخت شده است. اکنون می‌خواهیم به این پرسش هم پاسخ دهیم که حذف یارانه چه تأثیری بر تیراژ مطبوعات دارد. برای این کار به میزان کشش قیمتی تقاضا نیاز داریم. براساس یک کار اقتصادسنجی که در طرح «بررسی اقتصادی روزنامه‌های کشور» توسط مجری آن برای مرکز پژوهش‌های بنیادی انجام شده کشش قیمتی تقاضا برای روزنامه‌ها  $0/07$  درصد است (موسایی، ۱۳۷۵)؛ یعنی اگر یک درصد قیمت مطبوعات افزایش یابد  $0/07$  درصد تیراژ روزنامه کاهش خواهد یافت. اگر یارانه‌ها حذف شود و صاحبان جراید بخواهند به اندازه یارانه هر نسخه قیمت نشریه خود را افزایش دهند، باید قیمت هر نسخه به اندازه متوسط یارانه پرداختی به هر نشریه افزایش یابد. در محاسبات پیشین دیدیم که متوسط یارانه پرداختی به هر نسخه از روزنامه‌ها برابر با ۱۶۹ ریال است، متوسط قیمت روزنامه‌ها با توجه به تیراژ آن‌ها ۴۱۱ ریال است. بنابراین با حذف یارانه قیمت هر روزنامه به‌طور متوسط به ۵۸۰ ریال خواهد رسید. یعنی ۴۱ درصد قیمت هر نسخه روزنامه باید افزایش یابد و اگر قدر مطلق مقدار کشش قیمتی تقاضا را در آن ضرب کنیم درصد کاهش تیراژ به دست می‌آید. مقدار کاهش تقاضا  $2/87$  درصد خواهد بود. اگر تیراژ  $1/759/300$  را ملاک قرار دهیم میزان کاهش تیراژ  $50/491$  نسخه در روز خواهد بود. یعنی تیراژ از  $1/759/300$  به حدود  $1/709/000$  هزار می‌رسد که کاهش آن بسیار ناچیز است. به‌عبارت دیگر دولت سالانه،  $92/417/055/000$  ریال به مطبوعات کمک می‌کند تا فقط ۵۰۴۹۱ نسخه روزنامه بیشتر تقاضا شود. یعنی برای هر نسخه اضافه ۶۱۰۱ ریال پرداخت کرده است؟! به‌عبارت دیگر میزان تأثیرگذاری سیاست دولت در پرداخت یارانه به مطبوعات بر تیراژ روزنامه‌ها تقریباً نزدیک صفر است؛ این مسئله متأثر از کشش قیمتی روزنامه‌ها و بسیار کوچک است. جالب است بدانیم که نتیجه طرح «بررسی اقتصادی روزنامه‌های کشور در سال ۷۵» این بود که تأثیر سیاست مذکور نزدیک صفر است و پیش بینی شد که با حذف یارانه و افزایش قیمت، میزان کاهش تیراژ روزنامه‌ها بسیار ناچیز است. در آن سال تیراژ روزنامه‌ها

۱/۱۵۰ هزار نسخه و قیمت روزنامه‌ها به‌طور متوسط کمتر از ۲۰۰ ریال بود که یارانه به قیمت هر نسخه روزنامه ۲۳۱ ریال اضافه می‌شد تا تأثیر حذف یارانه از بین برود. در آن هنگام پیش‌بینی می‌شد که فقط با افزایش قیمت روزنامه‌ها به میزان مذکور، فقط ۳/۵ درصد تقاضا کاهش می‌یافت. این امر در طی یکی دو سال اخیر اتفاق افتاده و قیمت روزنامه‌ها به‌طور متوسط به ۴۱۱ ریال رسیده است، ولی نه تنها تیراژ کم نشده بلکه به ۱/۷۵۰/۰۰۰ نیز افزایش یافته است. به عبارت دیگر پیش‌بینی سال ۱۳۷۵ ه. ش درست بود و معلوم شد که قیمت روزنامه‌ها آن‌قدر ناچیز است که حتی دو برابر شدن آن تأثیر قابل توجهی بر کاهش تقاضا ندارد. البته تیراژ روزنامه‌ها در سال ۷۶ حدود ۵۰٪ افزایش یافته و روشن است که عمدتاً به دلیل کیفیت روزنامه‌ها و ورود روزنامه‌های جدید و مستقل بوده است؛ ولی تیراژ بیشتر روزنامه‌های پیشین کاهش نیافته درحالی‌که اکثراً قیمت آن‌ها حدوداً دو برابر شده است. نکته دیگری که در پایان باید به آن اشاره شود این است که یارانهٔ پرداختی به روزنامه‌ها به هیچ‌وجه عادلانه نیست و میزان سود و زیان روزنامه‌ها براساس محاسبات پیش، به هیچ‌وجه متناسب با یارانهٔ پرداختی به آن‌ها نیست. بیشترین یارانه‌ها معمولاً به روزنامهٔ کیهان و اطلاعات پرداخت شده در حالی که این دو روزنامه میزان سودهایشان کمتر از بقیه روزنامه‌ها نبوده است؛ بلکه روزنامه کیهان پس از همشهری، به دلیل حجم زیاد آگهی‌ها، یکی از پرسودترین روزنامه‌ها به‌شمار می‌رفته است که قبلاً به آن اشاره شد. نتیجهٔ کل این بررسی نشان می‌دهد که پرداخت یارانه به روزنامه‌ها توجیه اقتصادی ندارد.

## ۷- نتیجه‌گیری

در این گزارش وضعیت اقتصادی مطبوعات بررسی شد. نتایج به‌دست آمده به شرح زیر است:

- ۱- حذف یارانهٔ پرداختی به روزنامه‌ها موجب خواهد شد، تیراژ مطبوعات نزدیک ۳ درصد کاهش یابد؛ یعنی قیمت هر نسخه روزنامه ۱۶۹ ریال افزایش و تیراژ حدود ۵۰/۰۰۰ نسخه کاهش یابد، که البته این کاهش (نسبت به کل تیراژ) آن‌قدر جزئی است که پرداخت ۹/۲ میلیارد تومان کمک به مطبوعات را از لحاظ اقتصادی توجیه‌ناپذیر می‌کند؛

- ۲- سرانه یارانه پرداختی به مطبوعات متناسب با هزینه متوسط آن‌ها نیست و نظام فعلی پرداخت یارانه از کارایی بسیار پایین برخوردار است.
- ۳- پیشنهاد مقاله حاضر تجدید نظر اساسی در نظام یارانه در بخش مطبوعات است.

### پی‌نوشت

- ۱- برای نمونه رک به: اطیابی (۱۳۷۶)، تاجیک (۱۳۷۶)، جگینی (۱۳۷۶)، حسین‌پور (۱۳۷۶)، حسینی آفاینگلو (۱۳۷۶)، فاکر (۱۳۷۶)، عبدالوهابی (۱۳۷۶)، محکی (۱۳۷۶)، محمدعلی (۱۳۷۶)، مسعودی (۱۳۷۶)، نمک‌دوست تهرانی (۱۳۷۶)، شیروانی (۱۳۷۶)، روشندل (۱۳۷۶)، شکوهی تبریزی (۱۳۷۶)، قدیمی (۱۳۷۶)، محمدی (۱۳۷۶)، معظمی‌گودرزی (۱۳۷۶)، ملک‌لو (۱۳۷۶)، میراثی (۱۳۷۶)، احمدوند (۱۳۷۶)، متولی (۱۳۷۶)، نبی (۱۳۷۶) و ابراهیم‌زاده (۱۳۷۶).

## منابع و مأخذ

- موسایی. میثم (۱۳۷۴). «بررسی اقتصادی روزنامه‌های کشور». تهران. مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسایی. میثم (۱۳۷۹). *اقتصاد فرهنگ*. تهران. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- خزایی. شانتیو (۱۳۷۹). «نظری اجمالی بر هزینه‌های فرهنگی خانوار». *فصلنامه نامه پژوهش*. تهران. سال چهارم. ش ۱۶ و ۱۷.
- کوردن. دیلو. ام. (۱۳۷۱). *تئوری حمایت*. ترجمه احمد شاه‌رکنی. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی.
- پژویان. جمشید (۱۳۶۹). *اقتصاد بخش عمومی*. تهران. جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران. جلد اول.
- حاجی‌زاده میمندی. حسن (۱۳۷۹). «امید به بهار در زمستان». *اقتصاد ایران*. سال دوم. ش ۱۵.
- مقیمی. حسن (۱۳۷۴). «بررسی مقدماتی بازده سرمایه در صنعت مطبوعات کشور». تهران. دفتر امور پژوهش معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نادران. الیاس (۱۳۷۹). «تقاضای مطبوعات در ایران». مرکز مطالعات رسانه‌ها.
- کریمی ابرقویی و مژگان یوسف‌کنعانی (۱۳۷۷). «مطالعات و تحقیقات». *فصلنامه رسانه*. سال هشتم، ش چهارم.
- معتمدنژاد. کاظم (۱۳۷۶). «کلیات سیر تحول تاریخی و بررسی تطبیقی قوانین تبلیغاتی چند کشور». مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضوی‌زاده. نورالدین (۱۳۷۶). «بررسی ساختار اخبار خارجی مطبوعات درباره کشورهای مسلمان». تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- خلیلی. فرناز (۱۳۷۶). «بررسی تقاضای انتشار نشریات و کشف نظام حاکم بر آن». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی.



- اطیابی. نسرین (۱۳۷۶). «چگونگی بهره‌مندی نابینایان از رسانه‌های ایران با تأکید بر رسانه‌های مکتوب به خط بریل». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- تاجیک. غلامرضا (۱۳۷۶). «تحول پوشش خبری کشورهای بزرگ غرب در مطبوعات ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- چگینی. سهیلا (۱۳۷۶). «بررسی پونش مطبوعاتی مبارزات انتخاباتی هفتمین دوره ریاست جمهوری ایران در روزنامه‌های تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- حسین پور. حجت (۱۳۷۶). «بررسی میزان و علل بهره‌مندی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانهای شهرستان شادگان از تلویزیون‌های درون مرزی و برون مرزی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- حسینی آقاییگلو. جعفر (۱۳۷۶). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان بهره‌مندی شهروندان شهرستان نقده از رسانه‌های همگانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- فاکر. عبدالله (۱۳۷۶). «جایگاه ارتباطات در برنامه‌های توسعه ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- عبدالوهابی. فروزان (۱۳۷۶). «مطبوعات و ترغیب سیاسی: بررسی پوشش خبری هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- محکی. علی اصغر (۱۳۷۶). «بررسی مدیریت سازمانی مطلوب و موجود در روزنامه‌ها». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- محمدعلی. علیرضا (۱۳۷۶). «بررسی نظریه‌های خوانندگان در مطبوعات یومیه تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- مسعودی. امیدعلی (۱۳۷۶). «بررسی رضامندی شغلی زنان روزنامه‌نگار در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- نمک‌دوست تهرانی. حسن (۱۳۷۶). «استقلال حرفه‌ی روزنامه‌نگاری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- شیروانی. عبدالله (۱۳۷۶). «مطبوعات محلی و اصول روزنامه‌نگاری: بررسی تطبیقی روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های سه استان کشور». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- روشندل. عبدالرضا (۱۳۷۶). «بررسی رضامندی شغلی کارکنان تحریریه روزنامه‌های تهران. رادیو و تلویزیون». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- شکوهی تیریزی. سیامک (۱۳۷۶). «بررسی و مقایسه دیدگاه‌های روزنامه‌نگاران و کارکنان روابط عمومی نسبت به حرفه روابط عمومی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- قدیمی. اسماعیل (۱۳۷۶). «ساختار اخبار و مطالب ایران در روزنامه‌های تهران: تجزیه و تحلیل محتوای روزنامه‌های اطلاعات. ایران. کیهان و همشهری در سال ۱۳۷۴». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- محمدی. جلال (۱۳۷۶). «بررسی میزان استقبال شهروندان استان کردستان از برنامه‌های محلی تلویزیون». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- معظمی گودرزی. حبیب‌الله (۱۳۷۶). «گزینش اخبار برای رسانه‌های ایران - بررسی معیارهای گزینش اخبار در ایرنا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- ملک‌لو. محبوبه (۱۳۷۶). «بررسی حقوقی و مسئولیت‌های روزنامه‌نگاران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- میراثی. ماریا (۱۳۷۶). «بررسی رضامندی نوجوانان سال آخر دبیرستان شهرستان مراغه از رسانه‌های جمعی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- احمدوند. حسن (۱۳۷۶). «بررسی میزان بهره‌مندی و چگونگی استفاده مردم ملایر. سامن و جوکار از مطبوعات». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- متولی. حمیدرضا (۱۳۷۶). «نقش ارتباطات در تنظیم خانواده». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- ثبتي. سودابه (۱۳۷۶). «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش مردم نسبت به روزنامه ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

- ابسراهیم‌زاده. محمدعلی (۱۳۷۶). «بررسی تطبیقی (تحلیل محتوا) سر مقاله‌های روزنامه‌های کیهان و رسالت در شش ماه دوم سال ۱۳۷۴». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

- نشریه اقتصاد ایران (۱۳۷۹). «گزارش ویژه: اقتصاد مطبوعات. اقتصاد ایران». سال دوم.

ش ۱۵.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی